

# حسابرسان و ساختار مالی نظام بانکی



عباس محمدی  
حسابدار رسمی  
سازمان حسابرسی



فرشید فرخ‌نژاد  
حسابدار رسمی  
مدیرعامل بانک ملت



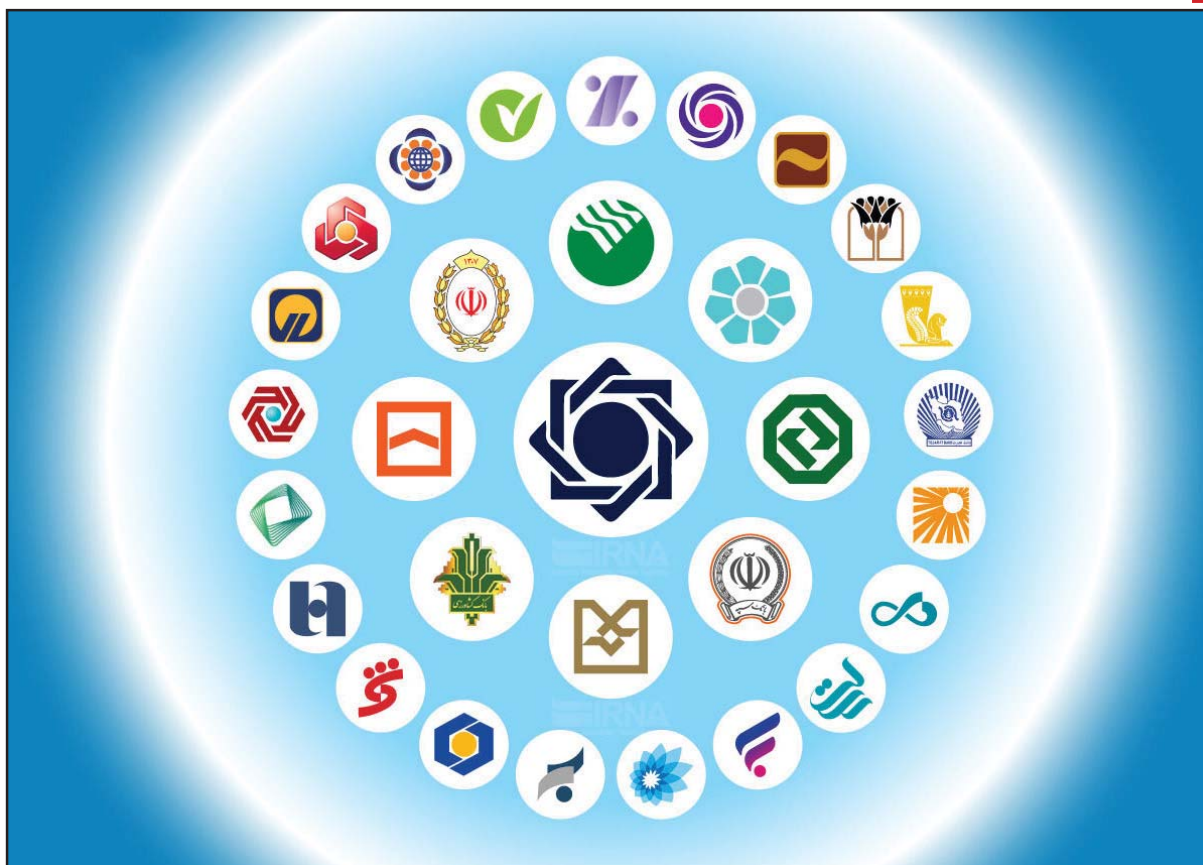
علیرضا عابدینی  
حسابدار رسمی  
دیوان محاسبات



کوروش پرویزیان  
نماینده بانک مرکزی  
در شورای عالی جامعه‌ی  
حسابداران رسمی ایران  
و سرپرست پژوهشکده‌ی  
پولی و بانکی کشور

ناترازی مؤسسات مالی - اعتباری یکی از مهم‌ترین بحران‌ها در بخش مالی اقتصاد ایران در سال‌های اخیر بوده است و نشانه‌ی گویایی از عدم حاکمیت اصول راهبری شرکتی در بانک‌ها و فقدان نظام‌های مؤثر حسابرسی داخلی در آن‌هاست. روشن است که حسابرسان مؤسسات مالی - اعتباری نیز در این شرایط با وظایف و تکالیف جدیدی مواجه‌اند.

قانون برنامه‌ی هفتم پیشرفت و مجموعه‌ی گسترده‌ای از قوانین و مقررات در این شرایط تکالیف جدیدی برای مؤسسات اعتباری بر شمرده‌اند که به تبع خود وظایف نظارتی جدیدی برای حسابرسان پدید می‌آورد. از همین رو، موضوع محوری شماره‌ی جدید فصلنامه‌ی «حسابدار رسمی» به تبیین ابعاد این بحران از منظر حسابرسان و راهکارهای برون‌رفت از آن اختصاص یافته است.



در سایت خود از آن‌ها نام برده است تنها ۱۱ بانک می‌توانند معیار حداقل کفایت سرمایه‌ی مورد نظر در قانون برنامه را کسب کنند و ۱۸ بانک کفایت سرمایه زیر ۸ درصد دارند. با توجه به این که اکنون بیش از ۴ ماه از ابلاغ این قانون می‌گذرد و مهلت مورد نظر گذشته است آمادگی بانک‌ها برای اقدام به افزایش سرمایه را چه گونه ارزیابی می‌کنید؟ چه موانعی در این مسیر وجود دارد؟

#### ✦ کوروش پرویزیان:

در حوزه‌ی بانکی مجموعه‌ای از مقررات متحدالشکل، استانداردها وجود دارد که خبرگان شبکه بانکی بر آن‌ها مسلط هستند و موضوع کفایت سرمایه هم یکی از این موضوعات است. درست است که رعایت این‌ها ضروری است ولی موضوع رعایت استانداردهای توصیه شده‌ی نهادهای بین‌المللی و حرفه‌ای زمانی اهمیت دارد که نهادهای مسئول این استانداردها، در همان قاعده و نظم نیز فعالیت و عمل نمایند. انتخاب گزینشی برخی و کنار گذاردن برخی دیگر از این استانداردها نمی‌تواند اصلاح ساختار مالی و رفع ناترازی

بر اساس ماده‌ی هشتم قانون برنامه‌ی هفتم پیشرفت مجموعه‌ای از اقدامات برای اصلاح ساختار مالی نظام بانکی و حل و فصل ناترازی مؤسسات اعتباری پیش‌بینی شده است. از آن جمله «هیأت مدیره با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده هر یک از مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیر دولتی که نسبت کفایت سرمایه‌ی آن‌ها در زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون کم‌تر از نسبت حداقل ۸ درصد باشد، مکلف است ظرف دو ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون برنامه‌ی افزایش سرمایه مؤسسه‌ی اعتباری را جهت نیل به هدف مندرج در جدول یادشده به بانک مرکزی تسلیم کند.» این در حالی است که از میان ۲۹ بانکی که بانک مرکزی



مؤسسات اعتباری را به همراه داشته باشد. اگر کلیت یک نظم پذیرفته شود و افزایش سرمایه و یا اصلاح کفایت سرمایه‌ی بانک‌ها انجام شود، می‌توان امیدوار بود که اصلاح ساختار به سرانجام می‌رسد. اگر حتی با تأکید و یا اجبار قانونی همان گونه که در قانون برنامه‌ی هفتم آمده و موضوع بااهمیتی همانند افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها باشد ولی مثلاً کماکان اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها برقرار نباشد و آن‌ها مجبور به انجام اقدامات تکلیفی دیگر از سوی مراجع بیرونی باشند، مسأله نه تنها حل نمی‌شود، بلکه می‌تواند مسایل پیچیده‌تری را به وجود آورد.

به نظر نمی‌رسد که بانک‌ها مخالفتی با افزایش سرمایه داشته باشند و تا جایی که اطلاع حاصل است، بانک‌ها از افزایش سرمایه استقبال می‌کنند. اما تصمیم‌گیر اصلی سهام‌داران بانک‌ها هستند که باید هم امکان افزایش سرمایه داشته باشند و هم قانع شوند که افزایش سرمایه توجیه اقتصادی و بازده کافی برای آن‌ها در پی داشته باشد. در حال حاضر بنا به دلایل مختلف سهام‌داران بانک‌ها تمایلی به افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها ندارند. شرایط نامساعدی در کسب و کار بانک‌ها در سال‌های اخیر به وجود آمده است و بازدهی صنعت بانکی را از متوسط سایر صنایع بورسی کمتر کرده است، دخالت‌ها و ورود مراجع مختلف در حوزه‌ی بانکی به جز بانک مرکزی و تکالیف سنگین و تکالیف مالا یطاق بر بانک‌ها با وضع جرایم مالیاتی (حتی به ترک فعل مدیران بانک‌ها) و نیز وضع جرایم بر سهام‌داران خصوصی بانک‌ها و موضوعاتی از این دست، حضور و مشارکت در سهام و سرمایه‌ی بانک‌ها را با عدم استقبال مواجه کرده است.

مجلس و دولت محترم که با وضع قانون برنامه کفایت سرمایه‌ی بانک‌های دولتی و غیردولتی را به ۸٪ ظرف دو ماه از لازم‌الاجرا شدن قانون تکلیف کردند، در قوانین دیگری مصارف تکلیفی بسیار سنگینی مانند قانون مسکن ملی به همراه وضع جریمه نیز تکلیف کردند که با واقعیت نظام پیش روی بانکی همخوانی ندارد.

وضع مقررات متناقض و محدودیت‌های اجرایی بسیار زیادی که پیش روی تصمیم‌گیران است، مشکل جدی و بسیار مهم شبکه‌ی بانکی است. یکی از نمونه‌های بارز تناقضات مقرراتی در نظام بانکی ایران تضاد بین مقررات بانک مرکزی و قوانین دیگر نهادهای دولتی و نظارتی است. این تناقضات می‌توانند باعث سردرگمی، افزایش هزینه‌های اجرایی و حتی کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و مشتریان به سیستم بانکی شوند. چند مورد از موانع و تناقضات ذکر می‌شود که باید هم‌زمان با رفع مشکل کمبود سرمایه حل و فصل شوند:

۱. مسأله‌ی نرخ سود تکلیفی و مقررات متناقض در زمینه‌ی

نرخ بهره

در حالی که بانک مرکزی ایران نرخ سود تسهیلات را تعیین می‌کند، برخی دیگر از دستگاه‌ها و وزارت‌خانه‌ها، به‌ویژه در زمینه‌های خاص (مثل بخش مسکن و تولید) از بانک‌ها می‌خواهند که تسهیلات ارزان‌تری ارائه دهند. این مسأله موجب بروز تضاد بین سیاست‌های پولی بانک مرکزی و سیاست‌های اقتصادی دولت می‌شود. از یک‌سو، بانک مرکزی می‌خواهد نرخ‌های سود واقعی و مطابق با نرخ تورم بازار باشد ولی دولت گاهی در تلاش است تا با پایین نگه داشتن نرخ سود برای تحریک تقاضای وام و تسهیلات، فعالیت‌های اقتصادی را تسهیل کند.

۲. مسایل مربوط به ضوابط و مقررات نظارتی و احتیاطی و عدم هماهنگی دستگاه‌های نظارتی  
بانک‌ها تحت نظارت چندین نهاد نظارتی قرار دارند، از جمله:

- بانک مرکزی ایران که مسئول تعیین سیاست‌های پولی و نظارت بر عملکرد بانک‌ها است.

- سازمان حسابرسی که مسئول نظارت بر صورت‌های مالی و شفافیت بانک‌ها است.

- سازمان بورس و اوراق بهادار که قوانین خاص خود را برای بانک‌هایی که در بورس حضور دارند وضع می‌کند.

- سازمان‌های نظارتی دیگر (که تعداد آن‌ها بسیار زیاد است) این نهادها بعضاً مقررات متفاوتی برای بانک‌ها وضع می‌کنند که ممکن است در عمل به ایجاد تضاد یا ابهام در تصمیم‌گیری‌های بانک‌ها منجر شود. به عنوان مثال، ممکن است بانک مرکزی یک الزام را برای بانک‌ها جهت رعایت حد نصاب نسبت کفایت سرمایه (Capital Adequacy Ratio) تعیین کند، در حالی که سازمان نظارتی دیگر بخواهد همان بانک‌ها را مجبور به رعایت مقررات خاص خود در زمینه‌ی فعالیت‌ها و وام‌دهی خارج از ضوابط بانک مرکزی نماید که این دو ممکن است با یکدیگر تضاد داشته باشند.

۳. تضاد در قوانین و مقررات مربوط به وصول مطالبات بانکی  
بانک‌ها موظف به پی‌گیری معوقات و مطالبات خود هستند، اما برخی قوانین دولتی، نظیر مصوبات دولت برای حمایت از بخش‌های خاص اقتصادی (مثل کشاورزی یا صنایع کوچک) به بانک‌ها اجازه نمی‌دهد که باجدیت در زمینه‌ی وصول مطالبات از این بخش‌ها اقدام کنند. این موضوع می‌تواند منجر به بالا رفتن معوقات بانکی و کاهش توان بانک‌ها در جذب منابع و اعطای تسهیلات جدید شود.

۴. موانع و مشکلات در موضوع الزامات شفافیت مالی و گزارش‌دهی

یکی دیگر از مشکلات این است که در بعضی موارد قوانین مختلف نهادهای نظارتی الزامات مختلفی برای گزارش‌دهی به بانک‌ها وضع کرده‌اند که این موضوع موجب سردرگمی و

حتی بروز تضاد در نحوه‌ی انجام گزارش‌دهی می‌شود. بانک‌ها ملزم به ارائه‌ی گزارش‌های خاص به بانک مرکزی برای رعایت مقررات سیاست‌های پولی هستند، در حالی که مثلاً سازمان بورس و اوراق بهادار نیز الزامات جداگانه‌ای برای بانک‌های بورسی وضع کرده است. این می‌تواند موجب تداخل در نحوه‌ی انجام گزارش‌دهی و افزایش هزینه‌های اجرایی شود. دیگر سازمان‌های نظارتی هم الزامات متفاوتی را تحمیل می‌کنند که سردرگمی و گرفتاری بیشتری به وجود می‌آورد.

۵. مسائلی مالیاتی و ایجاد اختلاف بین قوانین مالیاتی و الزامات مالی بانک‌ها

در ایران، قوانین مالیاتی و الزامات ذخیره‌گیری برای بانک‌ها گاهی با یکدیگر تضاد دارند. برای مثال، گاهی مقررات مالیاتی و تفسیر آن به گونه‌ای تنظیم می‌شود که بانک‌ها مجبور به پرداخت مالیات‌های سنگین یا محاسبه‌ی سود خود به روش‌هایی می‌شوند که با اصول حسابداری مورد پذیرش بانک مرکزی و بانک‌ها مغایرت دارند. این تضادها باعث می‌شود که بانک‌ها نتوانند به درستی منابع مالی خود را مدیریت کنند و در نتیجه در جذب سرمایه و پرداخت تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی با مشکل مواجه شوند.

#### ◀ علیرضا عابدینی:

در پایان سال ۱۴۰۲، چهارده بانک دارای اضافه‌پرداشت از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند که با توجه به ناترازی برخی از بانک‌های دولتی هیأت وزیران بر اساس جزء (۱۳) بند (الف) ماده (۸) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی هفتم پیشرفت برنامه‌ی افزایش سرمایه‌ی بانک‌های دولتی و چگونگی تأمین منابع مورد نیاز برای اجرای این برنامه را مصوب و طی ابلاغیه شماره ۱۹۰۵۷/ت / ۶۳۰۳۰ هـ مورخ ۱۴۰۳/۸/۸ ابلاغ شده است. با توجه به برخی از منابع پیش‌بینی شده از جمله آورده‌ی نقدی یا انتشار اوراق، تجربه‌ی این موضوع به طور نمونه بند (ت) تبصره (۱۰) قانون بودجه سال ۱۴۰۳ بیانگر آن است که به دلیل بار مالی فوق برای دولت افزایش سرمایه از محل منابع آورده و اوراق موفقیت‌آمیز نخواهد بود. افزایش سرمایه از محل سود انباشته‌ی پیش‌بینی شده است که عمدتاً به دلیل زیان انباشته‌ی بانک‌های مذکور، ظرفیت فوق قابل استفاده نیست. یکی از موانع در افزایش سرمایه بانک‌های دولتی عدم وجود منابع مکفی برای دولت جهت تحقق افزایش سرمایه و بهبود کفایت سرمایه است.

#### ◀ فرشید فرخ‌نژاد:

افزایش سرمایه در بانک‌ها با مجموعه‌ای از موانع روبرو است که شامل محدودیت‌های مالی، نگرانی‌های سهام‌داران، مقررات سخت‌گیرانه، و عوامل اقتصادی و رقابتی است. برای

عبور از این موانع، بانک‌ها نیازمند استراتژی‌های منسجم، بهبود شفافیت و برنامه‌ریزی دقیق برای استفاده از سرمایه‌ی جدید هستند. بانک‌ها باید با نهادهای نظارتی و سهام‌داران خود به طور مداوم در ارتباط باشند تا اعتماد عمومی را جلب کرده و از فرصت‌های موجود به بهترین شکل استفاده کنند. به طور خلاصه می‌توان بعضی از این موارد را به شرح ذیل بیان کرد:

#### وجود انتظارات تورمی در شرایط رکود اقتصادی

• در دوره‌های رکود اقتصادی، سرمایه‌گذاران و سهام‌داران تمایل کم‌تری به سرمایه‌گذاری‌های جدید دارند، علاوه بر آن در شرایطی که انتظارات تورمی در اقتصاد زیاد باشد خواستار بازدهی بیشتر نیز هستند، در این حالت در صورتی که بانک تصمیم بگیرد از طریق انتشار سهام جدید، سرمایه‌اش را افزایش دهد، باید نرخ بازدهی جذابی برای سرمایه‌گذاران فراهم کند. علاوه بر آن معمولاً به علت وجود مشکلات ساختاری بودجه‌ی کشور و محدودیت‌های ناشی از آن، دولت تمایلی به پرداخت سهم‌الشرکه‌ی خود برای افزایش سرمایه‌ی نقدی در بانک‌هایی که سهام‌دار آن‌هاست، ندارد.

#### نگرانی سهام‌داران از کاهش بازدهی EPS

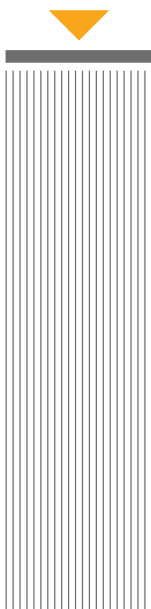
• علی‌رغم این که افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و سود انباشته‌ی بانک‌ها، به دلیل عدم نیاز به پرداخت وجه (سهام جایزه) توسط سهام‌دار و کاهش قیمت سهام شرکت، جذابیت بیشتر برای معامله‌گران جهت خرید دارد، اما ممکن است با استقبال خوبی در بازار سرمایه مواجه نشود. در این روش دارایی‌های استهلاک‌پذیر شرکت تجدید ارزیابی شده و ارزش آن‌ها در صورت‌های مالی به روز شده و افزایش می‌یابد. در نتیجه با افزایش ارزش این دارایی‌ها، هزینه‌ی استهلاک این تجهیزات از نظر ریالی نیز بیشتر خواهد شد. این افزایش هزینه‌ی استهلاک در صورت‌های مالی بعدی شرکت می‌تواند منجر به کاهش EPS شود.

#### وجود تسهیلات تکلیفی و تحریم‌های بین‌المللی

• بانک‌ها به دلیل تکلیفی که دولت برای آن‌ها وضع کرده است، ناچار به ارائه‌ی تسهیلات با نرخ‌های غیربهرینه هستند که عمدتاً بازپرداخت آن‌ها طولانی‌مدت و همراه با ریسک‌های بالا است. همچنین تحریم‌ها دسترسی بانک‌های ایران به سرمایه‌گذاران خارجی، تأمین مالی از بازارهای بین‌المللی و حتی تعاملات مالی عادی با بانک‌های جهانی را محدود کرده است.

#### کمبود ابزارهای متنوع مالی

• ابزارهای مالی نوین که در سیستم‌های بانکی دنیا مرسوم است، به دلیل محدودیت‌های حقوقی و عدم آشنایی با این ابزارها در ایران مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. بانک‌ها می‌توانند با انتشار اوراق قرضه‌ی قابل تبدیل به سهام، از سرمایه‌های





بانک تبدیل می‌شود.

#### تعارض قوانین بانکی با قوانین بورس و بازار سرمایه

• بانک‌ها برای افزایش سرمایه، باید با قوانین بازار سرمایه هماهنگ باشند و برای انتشار سهام یا اوراق بهادار از سازمان بورس مجوز بگیرند. این هماهنگی با قوانین بانکی و بورسی می‌تواند مشکل‌ساز باشد، زیرا در برخی موارد، قوانین بانک مرکزی و سازمان بورس با یکدیگر تعارض دارند و این تعارضات روند حقوقی افزایش سرمایه را پیچیده‌تر می‌کند.

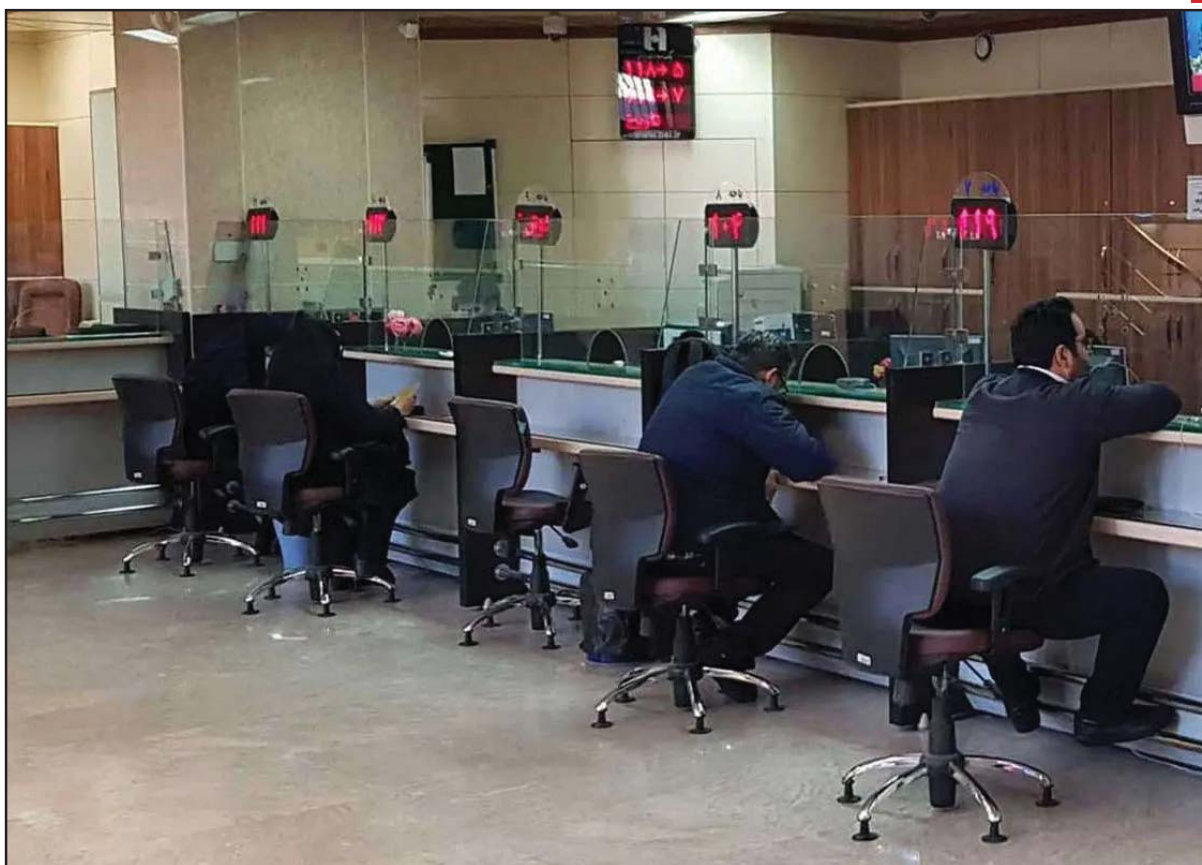
#### عباس محمدی:

واژه‌ی ناترازی در ادبیات تخصصی بانکی با نسبت کفایت سرمایه توصیف و تشریح می‌شود. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت‌های خود باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی‌های خود برقرار کنند. کارکرد اصلی این نسبت حمایت از بانک در برابر زیان‌های غیرمنتظره و حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان است. در واقع، بانکی که سرمایه‌ی کافی (حداقل نسبت کفایت سرمایه در شرایط بحران ۸ درصد، در شرایط نرمال ۱۰٫۵ درصد و در زمان رونق اقتصادی ۱۳

جدید برای افزایش سرمایه استفاده کنند.) (این مهم در ماده‌ی ۸ بند ۴ و ۵ برنامه‌ی هفتم پیشرفت نیز مورد تأکید قرار گرفته است). همچنین توسعه‌ی ابزارهایی مانند انتشار سهام ممتاز یا ابزارهای ترکیبی (ترکیب بدهی و حقوق صاحبان سهام) می‌تواند به بانک‌ها کمک کند تا سرمایه‌ی جدید جذب کنند.

#### محدودیت بانک‌ها در سرمایه‌گذاری‌های سودآور

• سیستم بانکی به دلیل ساختار سنتی بیشتر به درآمدهای حاصل از بهره‌برداری از تسهیلات و سود بانکی وابسته است و از منابع درآمدی دیگری مانند خدمات کارمزدی و سرمایه‌گذاری‌های سودآور، کم‌تر بهره می‌برد. این مهم سبب می‌گردد تا نقش ذخیره‌گیری در محدودیت‌های درآمدی زیاد شود در همین راستا بندهای گزارش حسابرسان و بازرس قانونی مبنی بر اولویت در رفع کسری ذخایر بانک‌ها آن‌ها را برای افزایش سرمایه از محل سود انباشته محدود کرده است. علاوه بر آن چنانچه بانکی نتواند برنامه‌ی واضحی برای رشد و توسعه‌ی درآمدهای خود ارائه دهد، اعتماد سرمایه‌گذاران را از دست می‌دهد. در نتیجه در چنین شرایطی، جذب سرمایه‌های جدید به چالشی جدی برای آن



لازم از سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی با مانع جدی مواجه می‌شود. همچنین به دلیل ناترازی دیرینه بودجه‌ی کشور ناشی از سیاست‌های مالی نامناسب، احتمال افزایش سرمایه‌ی نقدی در بانک‌های تحت مدیریت دولت که بخش عمده‌ی عملیات بانکی را انجام می‌دهند، کمی دور از ذهن خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد علت محقق نشدن اهداف مندرج در این بند به‌رغم سپری شدن مهلت زمانی دوماهه، نبود درک صحیح از واقعیت‌های موجود است. همچنین بررسی بندهای گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی بانک‌ها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد در صورت تعدیل حساب‌ها از بابت آثار بندها، به‌دلیل افزایش زیان انباشته، سرمایه‌ی لایه‌ی یک کاهش قابل‌توجه خواهد داشت. بنابراین نظارت مؤثر و کارآمد بر حد نظارتی اشاره شده در بخش‌نامه‌های بانک مرکزی بدون در نظر گرفتن آثار بندهای گزارش حسابرسی بانک‌ها (محاسبه‌ی نسبت کفایت سرمایه‌ی تعدیل‌شده به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری)، علاوه بر کاهش شفافیت، منجر به گمراهی ذی‌نفعان این نسبت از جمله سهام‌داران، سپرده‌گذاران و ناظرین برون‌سازمانی خواهد شد.

درصد) برای پوشش سطح ریسک موجود در سبد دارایی‌های خود نداشته باشد، ناتراز است.

تجزیه و تحلیل اجزای تشکیل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی نظارتی و تغییرات آن در سال‌های اخیر نشان‌دهنده‌ی بهبود نسبی نسبت کفایت سرمایه در سال‌های اخیر، عمدتاً ناشی از سود تسعیر ارز (به دلیل افت قابل‌ملاحظه ریال در مقابل سایر ارزها) و افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها بوده است. افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها حفاظ سرمایه‌ی باکیفیتی به‌شمار نمی‌رود و معمولاً به‌عنوان سرمایه‌ی لایه‌ی دو تلقی می‌شود.

تجزیه و تحلیل یادداشت سرمایه در صورت‌های مالی بانک‌ها نشان می‌دهد بزرگ‌ترین سهم افزایش سرمایه از زمان تأسیس تاکنون از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها بوده که به دلیل دارا بودن طولانی‌ترین تورم مزمن در سطح کشورهای دنیا و حجم بالای زمین و ساختمان‌های شعب بانک‌ها تحقق دوره‌ای آن محتمل خواهد بود. دومین منبع افزایش سرمایه، سود انباشته بوده که در صورت تعدیل آثار بندهای تحریف موجود در گزارش‌های حسابرسان مستقل در اکثر بانک‌ها مبلغی برای انتقال به سرمایه نمی‌ماند. بنابراین اخذ مجوزهای

در قانون پیش‌بینی شده که به هر دلیل از جمله عدم برگزاری مجمع عمومی مؤسسه اعتباری غیر دولتی عدم تصویب افزایش سرمایه یا ابلاغی بانک مرکزی در مجمع عمومی فوق‌العاده یا عدم اجرای مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده افزایش سرمایه یا مؤسسه اعتباری غیر دولتی مطابق برنامه ابلاغی بانک مرکزی انجام نشود اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده در افزایش سرمایه به بانک مرکزی منتقل می‌شود و بانک مرکزی مکلف است از طریق عرضه سهام در بازار بورس و اوراق بهادار با روش سلب حق تقدم سهام داران فعلی نسبت به افزایش سرمایه مؤسسه اعتباری غیر دولتی مورد نظر اقدام کند. می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت عرضه حق تقدم سهام این بانک‌ها در بورس در شرایط کنونی استقبالی از آن به عمل نیاید در چنین شرایطی چه راه‌حل‌های دیگری برای حل معضل ناترازی مؤسسات اعتباری وجود دارد؟

#### کوروش پرویزیان:

هرچند که وضع این مقرر در قانون برنامه اشکالات متعددی دارد ولی همان‌گونه که به‌درستی در پرسش مطرح شده، عرضه سهامی که عایدی برایش متصور نباشد، مورد استقبال نخواهد بود. البته در قانون پیش‌بینی شده که اداره سهام مؤسسه اعتباری به صندوق ضمانت سپرده‌ها یا شرکت تحت نظر آن (شرکت مدیریت دارایی‌ها در صورت تشکیل) منتقل شود. طبقاً این شرکت می‌تواند اداره امور سهام این گروه را تا زمان مناسب عرضه در اختیار داشته باشد. اما مسأله اصلی این است که ظرفیت و توان مالی و مدیریتی صندوق و شرکت مدیریتی دارایی‌ها به اندازه‌ای نیست که هم وجوه مربوط به بدهی‌های سپرده‌گذاران این مؤسسات را پرداخت نماید و هم در اداره بهیمنی این گونه سهام موفقیت بیشتری به‌دست آورند. راه‌هایی که در کشور عمل شده و یا امکان بررسی دارد به موارد ذیل محدود می‌شود.

به احتمال زیاد وضع چنین مقرره‌ای منابع بانک مرکزی را برای این موضوع درگیر خواهد کرد، کما این‌که در ساماندهی تعاونی‌ها و مؤسسات غیرمجاز، این اتفاق افتاد که هنوز بخشی از مسایل آن‌ها نیز پابرجا است. منابع و استفاده از اعتبار دولت

نیز راهکار دیگری است.

در صورتی که درآمدهای دولت کفاف مخارج خود را بدهد و وجوه اضافه‌ای پیدا شود، مناسب است که بخشی از این کسری‌ها از سوی دولت و از طریق کمک به صندوق ضمانت سپرده‌ها برای تمشیت امور این گونه مؤسسات به کار گرفته شود که البته خودش جای اما و اگرهای بسیار دارد.

علاوه بر این به‌کارگیری بخشی از منابع صندوق توسعه ملی هم در این خصوص مطرح شده است که خود به نحوه تعامل بانک مرکزی و صندوق ضمانت سپرده‌ها و صندوق توسعه ملی بستگی دارد. در نهایت رجوع به سایر دارایی‌های سهام‌داران عمده این گونه مؤسسات هم موضوعی است که طرح شده است ولی این گونه موارد بحث‌های قضایی و حقوقی بسیار سنگینی دارد که در دوره سامان‌دهی امکان استفاده نخواهد داشت. بعداً شاید به‌عنوان جبران بخشی از خسارت‌ها و هزینه‌های ملی انجام شده، به کار گرفته شود.

#### علیرضا عابدینی:

در خصوص الزام بانک‌های غیردولتی به افزایش سرمایه و عرضه سهام آن‌ها در صورت استتکاف با روش سلب حق تقدم به نظر با توجه به وضعیت عملکرد مالی بانک‌های مذکور و وضعیت بازار سرمایه این موضوع موفقیت‌آمیز نخواهد بود، لذا در خصوص تأمین منابع مالی به نظر می‌بایست به سمت مولدسازی دارایی‌ها و فروش اموال مازاد و شرکت‌های دارای فعالیت غیربانکی حرکت کرد. همچنین عدم تعیین تسهیلات تکلیفی برای بانک‌های ناتراز، اصلاح نرخ سود نظام بانکی متناسب با نرخ تورم، هدایت جریان نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد و مشارکت با بخش خصوصی و حرکت به سمت درآمدهای پایدار و کارمزدمحور از دیگر رویکردهای مورد عمل در اصلاح ناترازی نظام بانکی خواهد بود.

#### فرشید فرخ‌نژاد:

اگر بانکی نتواند از طریق افزایش سرمایه ناترازی خود را برطرف کند، باید به مدیریت بهیمنی منابع موجود، کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت دارایی‌ها، و استفاده از روش‌های متنوع تأمین مالی روی آورد. بانک‌ها باید از ابزارهای موجود در بازار مالی و اقتصادی بهره‌برداری کنند و با افزایش کارایی و کاهش ریسک، شرایط مالی خود را مدیریت کنند و بهبود بخشند. در ادامه به برخی از این روش‌ها اشاره می‌شود:

#### کاهش دارایی‌های غیرمولد و کم‌بازده

• بانک‌ها می‌توانند با فروش دارایی‌های غیرمولد یا کم‌بازده، نقدینگی خود را تقویت کنند. این دارایی‌ها ممکن است شامل املاک و مستغلات مازاد و سرمایه‌گذاری‌های کم‌بازده باشند. فروش این دارایی‌ها می‌تواند به بانک کمک کند تا ترازنامه‌ی

خود را اصلاح کرده و منابع مالی جدیدی برای بازپرداخت بدهی‌ها یا تقویت نقدینگی جذب کند.

#### مدیریت بهینه مطالبات معوق

• یکی از اصلی‌ترین دلایل ناترازی در بانک‌ها، مطالبات معوق و غیرجاری است که باعث کاهش نقدینگی و فشار بر منابع مالی بانک‌ها می‌شود. بانک‌ها می‌توانند با بهبود فرآیندهای وصول مطالبات و استفاده از ابزارهای قانونی برای بازپس‌گیری مطالبات، نقدینگی خود را افزایش دهند. این اقدامات می‌تواند شامل مذاکره با بدهکاران، فروش مطالبات به شرکت‌های مدیریت بدهی یا استفاده از وثایق باشد.

#### کاهش حجم وام‌دهی یا مدیریت پرتفوی وام‌ها و

#### رعایت بهداشت اعتباری

• بانک‌ها می‌توانند با کاهش حجم وام‌دهی‌های جدید یا تمرکز بر وام‌دهی به مشتریان کم‌ریسک و بازپرداخت سریع‌تر، خطرات مرتبط با ناترازی را کاهش دهند. به‌ویژه، اگر بانک با مطالبات معوق و غیرجاری زیادی مواجه است، باید دقت بیشتری در اعطای تسهیلات به‌خرج دهد و بر مدیریت ریسک و کیفیت دارایی‌های خود تمرکز کند.

#### تنظیم بدهی‌ها و ایجاد مشوق‌های دولتی

بانک‌ها می‌توانند بازپرداخت بدهی‌های مشتریان را تسهیل کنند. این تسهیل می‌تواند با تمدید دوره‌ی بازپرداخت، کاهش نرخ بهره یا تبدیل بدهی‌ها به ابزارهای مالی بلندمدت باشد و زمان بیشتری برای بازسازی وضعیت مالی فراهم آورد. دولت می‌تواند با مشوق‌های مالیاتی و سیاست‌های حمایتی، سرمایه‌گذاران و سهام‌داران را برای مشارکت در افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها ترغیب کند.

#### عباس محمدی:

یافته‌های حاصل از آسیب‌شناسی بحران مالی ۲۰۰۷ نشان داد مقامات ناظر به دلیل نارسایی در ترتیبات نهادی و ابزارهای قوی و کارا در چارچوب مقرراتی خود، در واکنش به‌موقع نسبت به ریسک‌ها و پیشگیری و مواجهه با بحران‌های مالی و بانکی ضعف و نارسایی‌های جدی داشتند. در همین راستا هیأت ثبات مالی در سال ۲۰۰۹ تشکیل شد و این هیأت در سال ۲۰۱۱، «ویژگی‌های کلیدی نظام‌های حل‌وفصل مؤثر برای مؤسسات مالی» را منتشر کرد تا با اجرای رهنمودهای ۱۲گانه‌ی آن، حل‌وفصل مالی (گزیر) کم‌ترین آثار مخرب را بر ثبات مالی داشته و متکی بر وجوه عمومی نباشد.

برنامه‌ی گزیر (resolution plan) زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست‌گذار بازار پول تشخیص می‌دهد بانک مشکل‌دار نمی‌تواند مراحل درماندگی مالی و ناتوانی در بازپرداخت بدهی را بدون آسیب زدن به منافع عمومی و ایجاد بی‌ثباتی مالی طی کند و قبل از این که سرمایه‌ی بانک کاملاً از بین برود با

ورود به‌موقع، اصلاحات لازم را انجام می‌دهد. این اصلاحات متناسب با اختیاراتی که به مقام ناظر داده می‌شود، شامل عزل مدیران متخلف و نالایق، انتصاب مدیران جایگزین شایسته برای تثبیت و پایداری فعالیت بانک، نقل‌وانتقال سهام، کنترل مدیریتی و حق رأی در مجامع و سایر عملیات اجرایی نجات از درون (Bail-in) می‌شود.

ورود به‌موقع ناظر بازار پول و استفاده‌ی صحیح از راه‌کارهای نجات از درون برای برخورد با بانک‌های مشکل‌دار، منطبق با رهنمودهای هیأت ثبات مالی می‌تواند آثار مخرب استفاده از راهکار نجات از بیرون (Bail-out) را به حداقل رساند. از تحمیل عواقب درماندگی مالی این‌گونه بانک‌ها به دولت و مردم از طریق خلق پول جلوگیری کند و ناترازی سیستم بانکی را کاهش دهد.

در پیش‌نویس اولیه‌ی قانون برنامه‌ی هفتم اشاراتی به بحث بررسی کیفیت دارایی‌ها و فرآیندهای اجرایی برنامه‌ی گزیر شده بود که طبق آخرین اخبار قرار است در قالب قانون جامع بانک‌داری تصویب و ابلاغ شود. تسریع در فرآیند تدوین و تصویب قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی مورد نیاز با تقویت محیط کنترلی نقش مهمی در حل مشکل ناترازی بانک‌های مشکل‌دار دارد.

## ۳

موضوع دیگری که در برنامه‌ی هفتم بر آن تأکید شده و طی سال‌های اخیر بارها مورد تأکید بانک مرکزی قرار داشته مسأله‌ی حجم بالای دارایی‌های بانکی به صورت املاک و مستغلات و دارایی‌های نامرتب با حرفه‌ی بانکداری است. در این برنامه ضمن پیش‌بینی راه‌اندازی سامانه‌ی املاک و مستغلات شبکه‌ی بانکی کشور تکلیف شده که غیر از آن بخش از املاک مستغلات و سهام در اختیار خود که نگهداری آن‌ها لازمه‌ی انجام حرفه‌ی بانکداری بوده و منع قانونی ندارد دارایی‌های ثبت شده در سامانه‌ی املاک و مستغلات شبکه‌ی بانکی و سامانه‌ی سهام‌داری شبکه بانکی دارایی‌ی مازاد محسوب می‌شود. مؤسسات اعتباری مکلف به واگذاری دارایی‌های مازاد خود حداکثر تا پایان سال دوم برنامه می‌باشند. در اجرای این تکلیف هم با توجه به وضعیت کنونی



بازار مسکن و مستغلات و بازار اوراق بهادار موانع جدی وجود دارد. این در حالی است که پیش از این نیز مواد ۱۸ و ۱۹ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که اکنون نزدیک به ۱۰ سال از تصویب آن می‌گذرد، در عمل راه به جایی نبرد. به نظر شما چگونه می‌توان مؤسسات اعتباری را از معضل انبوه دارایی‌های نامولد و نامرتب با فعالیت‌شان رها کرد؟

#### ◀ کوروش پرویزیان:

در خصوص دارایی‌های بانک‌ها اعم از املاک، مستغلات، کارخانجات و شرکت‌ها، قبلاً مقررات محدودکننده وضع شده بود که کارآمدی لازم را نداشت و مانند موضوعات ذکرشده قبلی تناقضات زیادی در وضع مقررات، اجرای مقررات و مالیات‌های تشخیصی بر دارایی‌های بانک‌ها در پی داشت. یکی از مراکز تولید دارایی‌های اضافی برای بانک‌ها، خود دولت بوده که بازپرداخت بخشی از مطالبات بانک‌ها را با واگذاری دارایی‌ها عملی کرده است. بخش دیگری از این دارایی‌ها ناشی از دستورات مقامات دولتی و حکومتی (در قوای سه‌گانه) در حمایت از بازار سرمایه و یا بازار اشتغال نیروی انسانی تحت عنوان بازگرداندن کارخانه‌های راکد به چرخه‌ی تولید بوده و

یا به کرات با ایجاد نوسان در بازار سرمایه، بانک‌ها مجبور به ورود و خرید سهام شرکت‌ها شده‌اند. بخش دیگری از رسوب دارایی‌ها مربوط به دستورات قضایی، مراجع ثبتی در خصوص بدهکاران شبکه‌ی بانکی و احکام اجرایی و قضایی مربوط به ضبط تضامین و وثایق این‌گونه بدهکاران است.

برای جلوگیری از انباشت دارایی‌های غیرمولد ضمن عطف توجه به سه موضوع فوق، باید بر موضوع مهم مابه‌التفاوت نرخ سود بانکی و نرخ سود بازار توجه داشت. نرخ سود و یا نرخ بهره باید در بازار به‌گونه‌ای عمل کنند که شرایط رانتی از بازار به شرایط رقابتی تبدیل شود. وادار کردن بانک‌ها به عمل به نرخ‌های دستوری ریشه‌ی اصلی در عدم تعادل‌ها و خروج از شرایط و استانداردهای بانکداری بوده است.

#### ◀ علیرضا عابدینی:

فروش اموال مازاد و سهام شرکت‌های دارای فعالیت غیربانکی یکی از محل‌های تأمین منابع بانک‌ها بوده که همواره در قوانین و مقررات از جمله مواد (۱۶) و (۱۷) قانون رفع موانع تولید مورد تأکید قرار گرفته و حتی جرائم مالیاتی در قانون مذکور پیش‌بینی شده است که پیش‌بینی جرایم به نظر خود منجر به تشدید ناترازی خواهد گردید. لیکن علی‌رغم پیش‌بینی تکالیف در برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی هفتم پیشرفت که



حذف کنند.

#### تبدیل کردن به اوراق بهادار

- بانک‌ها می‌توانند دارایی‌های غیرنقدی مازاد خود (مانند املاک و مستغلات) را به اوراق بهادار تبدیل کنند. این فرآیند به این معنی است که بانک دارایی‌های مازاد خود را بسته‌بندی کرده و در قالب اوراق بهادار (مانند اوراق رهنی یا اوراق قرضه) منتشر کند و به سرمایه‌گذاران بفروشد.

#### تشویق از طریق سیاست‌های دولتی

- دولت‌ها می‌توانند از طریق سیاست‌های مالیاتی، مشوق‌ها و قوانین حمایتی، بانک‌ها را به فروش املاک مازاد تشویق کنند. به‌طوری‌که اگر بانکی املاک مازاد خود را بفروشد، بتواند از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند شود یا در صورتی که ملک را با زیان بفروشد، امکان استفاده از تخفیف‌های مالیاتی برای زیان‌های حاصل از فروش فراهم شود و یا این‌که تحت شرایط خاصی ضرر و زیان حاصله را از طریق اوراق بدهی دولت جبران کند.

#### ایجاد بازارهای تخصصی برای املاک بانکی

- ایجاد یک بازار تخصصی برای املاک بانکی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. این بازارها می‌توانند شامل توسعه‌ی بازارهای مزایده از طریق ایجاد بازارهای آنلاین یا مزایده‌های عمومی که در آن بانک‌ها می‌توانند املاک خود را سریعاً بفروشند و

مطمئناً اقدام مؤثری خواهد بود نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در این بخش اهمیت دارد و می‌بایست با برخورد انضباطی و جریمه برای مدیران به‌دلیل ترک فعل آن‌ها اقدام نظارتی مؤثر صورت پذیرد. علاوه بر این، افزایش مطالبات غیرجاری نیز یکی از دلایل افزایش املاک و مستغلات بانک‌هاست که با بهبود بهداشت اعتباری می‌توان از افزایش آن جلوگیری کرد. از طرف دیگر تورم فزاینده‌ی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مدیران نظام بانک در حفظ ارزش زمانی منابع خود در قالب املاک و مستغلات است که این موضوع خود نیازمند اصلاحات جدی در اقتصاد کلان کشور است.

#### ◀ فرشید فرخ‌نژاد:

**Write-off** کردن املاک و مستغلات بانک‌ها به‌معنی حذف یا کاهش ارزش این دارایی‌ها در ترازنامه است تا از مشکلات مالی ناشی از دارایی‌های غیرمؤثر یا کم‌بازده جلوگیری شود. به‌طور کلی **Write-off** کردن املاک و مستغلات بانک‌ها نیازمند استراتژی‌های مختلفی است که به شرایط و ویژگی‌های بازار، نوع املاک، و وضعیت مالی بانک بستگی دارد. روش‌هایی مانند فروش، تبدیل به اوراق بهادار، کاهش ارزش دارایی‌ها به‌عنوان وثیقه و تقسیم املاک، می‌تواند به بانک‌ها کمک کند تا املاک غیرضروری را از ترازنامه‌ی خود

یا ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای خرید و فروش املاک مازاد بانک‌ها باشد، این پلتفرم‌ها می‌توانند به بانک‌ها کمک کنند تا به سرعت مشتریان بالقوه را پیدا کنند و معاملات خود را به شکل سریع‌تر و کارآمدتری انجام دهند.

#### اصلاح فرآیندهای نظارتی و قوانین مرتبط با املاک مازاد

• بانک‌ها ممکن است به دلیل محدودیت‌های قانونی یا نظارتی از فروش املاک مازاد خود خودداری کنند. اصلاحات قانونی می‌تواند به بانک‌ها این اطمینان را بدهد که فروش این املاک به صورت قانونی و با کمترین هزینه انجام خواهد شد. این اصلاحات می‌توانند شامل آسان‌سازی فرآیندهای فروش املاک مازاد از طریق حذف یا کاهش موانع قانونی در فرآیند فروش املاک مازاد، مانند قوانین پیچیده‌ی مربوط به مالکیت، ارزیابی یا انتقال ملک باشد.

در نهایت به عنوان یک مثال عملی می‌توان گفت بانک ملت جهت رهایی از انبوه دارایی‌های نامولد و نامرتب اقداماتی را به شرح ذیل در دستور کار خود قرار داده است که سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری می‌توانند از این اقدامات به منظور حل مشکل خود استفاده نمایند:

- ۱- تشکیل شرکت بازاریابی و فروش املاک مازاد
- ۲- برقراری طرح‌های انگیزشی جهت فروش املاک مازاد
- ۳- برگزاری مزایده‌های فروش املاک مازاد و ارائه طرح‌های تشویقی جهت تسریع در فروش املاک
- ۴- اجرای طرح‌های وصول مطالبات و پیگیری مطالبات بانک جهت جلوگیری از تملیک وثایق مشتریان
- ۵- تشکیل کارگروه مولدسازی دارایی‌ها با حضور مدیران بخش‌های اجرایی جهت تبیین راهکارهای مقتضی بابت مولدسازی دارایی‌ها

#### عباس محمدی:

با وجود این‌که مهلت‌های زمانی مندرج در قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر جهت واگذاری اموال و سهام مازاد بانک‌ها سپری شده، اهداف مدنظر قانون در خصوص فروش، تاکنون عملیاتی نشده است. علاوه بر چالش‌های آماده‌سازی سهام شرکت‌های مشمول واگذاری، به دلیل نوسان بالای قیمت‌های بازار، ریسک قیمت‌گذاری سهام و اتخاذ تصمیم نسبت به فروش آنها بالا بوده است. نبود مقررات، کنترل‌ها و نظارت‌های مناسب قبل از واگذاری‌ها و سوابق قبلی ورود مراجع متعدد نظارتی به پرونده‌ی واگذاری‌ها و تشکیل پرونده‌ی قضایی برای ارکان مسئول فروش دارایی‌ها بعد از واگذاری، جو رعب و وحشت را بر فضای واگذاری‌ها حاکم کرده است. تورم بالا نیز نگهداری این اموال را به دلیل افزایش ارزش آن‌ها جذاب می‌کند. این موارد موجب شده بخشی از منابع بانک‌ها که می‌توانست صرف

فعالیت‌های مولد بانکداری شود منجمد باقی بماند.

الزامات اشاره‌شده در بخش ب ماده‌ی ۸ قانون برنامه‌ی هفتم در خصوص راه‌اندازی سامانه‌ی املاک و سهام‌داری شبکه‌ی بانکی در گذشته نیز در قالب‌های مشابه (سامانه‌ی مهتاب) وجود داشته و صحت اطلاعات نیز از طریق اجرای روش‌های توافقی توسط حساب‌رسان مستقل بانک‌ها رسیدگی شده است. نبود تفکر یکپارچه و سیستمی در طراحی و اجرای سیستم‌های اطلاعاتی مرتبط با کسب و کار و گزارشگری مالی از مشکلات ساختاری شبکه‌ی بانکی و مقررات‌گذاران آن بوده به نحوی که گاه به دلیل فراوانی سامانه‌های موجود و تکلیف شده در قوانین مختلف، مدیریت سامانه‌های موجود، خود نیازمند ایجاد سامانه‌ای دیگر است.

ارزیابی روند گذشته، وضعیت رکود بازار املاک و نوسانات شدید بازار سهام و دلایل اشاره‌شده در بالا نشان می‌دهد در مهلت زمانی دو ساله‌ی آتی نیز اتفاق خاصی نخواهد افتاد. پیشنهاد می‌شود با توجه به آثار مخرب اضافه‌برداشت بانک‌های با ناترازی بالا بر تورم و رشد نقدینگی، مهلت زمانی مزبور برای بانک‌های با وضعیت بحرانی حذف و مشمول شرایط اضطراری تلقی شوند. هرچند تأمین نقدینگی موردنیاز برای خرید سهام مازاد (غیربانکی) این بانک‌ها به دلیل متمرکز کردن سهام عمده‌ی شرکت‌های فرعی در قالب گروه مالی و سرمایه‌گذاری طی دهه‌ی گذشته منجر به کاهش خریداران بالقوه دارای توان نقدینگی کافی شده و در برخی موارد مانند مال‌ها و مجتمع‌های تجاری بزرگ در اختیار بانک‌ها، قابلیت تفکیک املاک مازاد برای فروش به سهولت فراهم نیست.

## ۴

در چارچوب برنامه‌ی هفتم به نظر می‌رسد قرار است طی سال‌های آتی شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی که ذیل صندوق ضمانت سپرده‌ها و با سرمایه‌ی آن صندوق با هدف مولدسازی، بازاریابی و فروش دارایی‌های مازاد بانک‌های ناتراز ناسالم غیر قابل احیا نقش مهمی در اصلاح بازار پول ایفا کند. چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در زمینه‌ی فعالیت چنین نهادی وجود دارد؟

#### کوروش پرویزیان:

تشکیل شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه‌ی بانکی ذیل

صندوق ضمانت سپرده‌ها ضمن این که فرصت‌های جدیدی برای تنفس و کمک به آرایش و پالایش شبکه‌ی بانکی می‌کند، تهدیدات و تعهدات جدیدی هم برای بانک مرکزی و شبکه‌ی بانکی می‌تواند فراهم آورد. با عنایت به جدید بودن صندوق ضمانت سپرده‌ها و منابع ناکافی آن در دهه‌ی اول از فعالیت این صندوق، مخاطره‌ی به‌کارگیری منابع بانک مرکزی برای سروسامان دادن به مشکلات پیش‌آمده در برخی مؤسسات اعتباری کشور وجود دارد. هرچند مراحل تشکیل این شرکت، سرمایه و مدیریت آن در صندوق ضمانت سپرده‌ها در حال بررسی است ولی ورود صندوق و شرکت مدیریت دارایی‌ها به مؤسسات اعتباری ناتراز کشور بدون آمادگی کافی و مهیا کردن شرایط لازم مخاطرات بیشتری در آینده برای بانک مرکزی و کشور فراهم خواهد کرد. تجارب کشورها، نتایج مختلف و متفاوتی را رقم زده است که توجه به این تجارب می‌تواند اندکی از مخاطرات پیش رو را کاهش داده و آمادگی بیشتری برای تصمیم‌گیری مناسب‌تر به وجود می‌آورد. مطالعات تجربی دیگر کشورها نشان می‌دهد در تشکیل شرکت مدیریت دارایی و عملکرد آن‌ها، تأسیس این شرکت‌ها برای حل و فصل مشکل دارایی‌های بد بانکی با حمایت‌های نهادهای حاکمیتی کشورها به ثمر نشسته است و انتقال و تجمیع مطالبات غیرجاری بانکی چند بانک به یک شرکت مدیریت دارایی به‌جای مدیریت پورتفویهای بزرگ مطالبات غیرجاری بانکی در داخل ترازنامه یا از طریق فروش آن‌ها به سرمایه‌گذاران خصوصی مزایای متعددی دارد. افزایش کارایی و اثربخشی، کاهش مطالبات غیرجاری بانکی، کاهش میزان بدهی در ترازنامه‌ی بانک‌ها و افزایش قدرت مالی و توانایی بانک برای تداوم وام‌دهی به بخش‌های مختلف اقتصادی و کمک به ایجاد بازار ثانویه‌ی مطالبات غیرجاری بانکی از جمله مزایای این سیاست هستند. علاوه بر موارد فوق، تشکیل شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی می‌تواند توانایی بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی را بهبود بخشد. تعیین اثربخشی و کارایی در عملکرد مالی شرکت مدیریت دارایی تا حد زیادی به نحوه‌ی طراحی این شرکت، مدیریت آن‌ها و قیمت دارایی‌های واگذاری شده بستگی دارد. به گونه‌ای که اتخاذ سیاست نادرست در برخی از مواقع، می‌تواند به انحراف این شرکت از اهداف اصلی خود منجر شود. به‌عنوان نمونه عدم ارزش‌گذاری مناسب دارایی‌ها، نداشتن ساختار سرمایه‌ی مطلوب و تأمین مالی ناکافی، دارا نبودن کنترل و حاکمیت مستقل برای حفاظت از شرکت مدیریت دارایی در مقابل نفوذ سیاسی یا تنش مالی، نحوه‌ی ناحیج تأمین مالی از چالش‌های اساسی این شرکت است. نحوه‌ی قیمت‌گذاری و واگذاری دارایی‌ها و چگونگی تسویه‌حساب شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی با مؤسسات، تسویه‌حساب شرکت اعتباری، از دیگر چالش‌های

این شرکت است که می‌بایست مقررات آن توسط بانک مرکزی با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه شود و پس از تأیید هیأت عالی بانک مرکزی به تصویب هیأت وزیران برسد که این خود محل چالش است.

#### ◀ علیرضا عابدینی:

مهم‌ترین چالش ایجاد شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه‌ی بانکی ضمانت اجرایی انتقال دارایی‌های بانک‌های ناتراز ناسالم و چالش فروش آن‌ها با در نظر گرفتن بازاریابی و شرایط اقتصادی کشور است. با توجه به این که شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه‌ی بانکی متصدی یک امر حاکمیتی در نظام بانکی شده است تعریف آن ذیل صندوق ضمانت سپرده‌ها ماهیت شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه‌ی بانکی به‌عنوان یک شرکت دولتی یا غیر دولتی با ابهام مواجه کرده است که این موضوع منجر به عدم نظارت مؤثر دستگاه‌های نظارتی می‌شود و می‌تواند زمینه‌های ایجاد رانت و فساد را در نحوه‌ی واگذاری اموال ایجاد نماید.

#### ◀ فرشید فرخ‌نژاد:

تأسیس یک شرکت مدیریت دارایی (AMC) برای بانک‌ها می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌های خاصی داشته باشد. این نوع شرکت‌ها معمولاً به منظور مدیریت دارایی‌های غیرعملیاتی یا غیرجاری بانک‌ها تأسیس می‌شوند و به تسویه و بهبود وضعیت مالی بانک‌ها کمک می‌کنند.

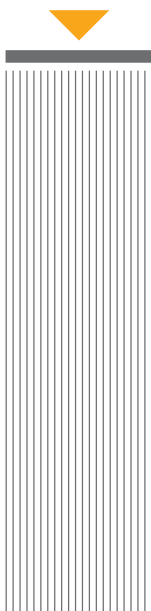
#### فرصت‌ها

- تصفیه‌ی دارایی‌های غیرعملیاتی: تأسیس یک AMC می‌تواند فرصتی برای بانک‌ها ایجاد کند تا دارایی‌های غیرعملیاتی خود را به صورت کارآمد مدیریت و تصفیه کنند. این مهم می‌تواند به کاهش نسبت دارایی‌های غیرعملیاتی و بهبود ترازنامه‌ی بانک‌ها کمک کند.

- افزایش کارایی و سودآوری: با مدیریت بهینه‌ی دارایی‌های غیرجاری و تلاش برای تبدیل آن‌ها به دارایی‌های عملیاتی، می‌توان از این دارایی‌ها سودآوری ایجاد کرد. با تأسیس یک AMC بانک‌ها می‌توانند بهبود چشم‌گیری در سودآوری خود داشته باشند.

- جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید: تأسیس AMC می‌تواند فرصتی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی باشد. این امر به دلیل پتانسیل سودآوری از بازسازی و فروش دارایی‌های غیرجاری است.

- مدیریت ریسک و شفافیت: از آن‌جاکه این شرکت‌ها به صورت تخصصی روی دارایی‌های غیرجاری تمرکز دارند، می‌توانند خطرات مالی و ریسک‌های بانک را کاهش دهند و موجب شفافیت بیشتر در ترازنامه شوند.





### چالش‌ها

- مدیریت پیچیده‌ی دارایی‌های غیر جاری: دارایی‌های غیر جاری معمولاً وضعیت پیچیده‌ای دارند و ممکن است شامل بدهی‌های غیر قابل وصول، املاک و مستغلات یا وام‌های معوق باشند. مدیریت این دارایی‌ها به تجربه و تخصص بالایی نیاز دارد.
- تأمین منابع مالی: برای راه‌اندازی یک AMC، بانک‌ها ممکن است نیاز به سرمایه‌گذاری‌های اولیه‌ی قابل توجهی داشته باشند. علاوه بر این، باید منابع مالی کافی برای خرید، مدیریت و فروش دارایی‌های غیر جاری تأمین شود.
- ریسک عدم موفقیت در تصفیه‌ی دارایی‌ها: ممکن است برخی از دارایی‌های غیر جاری به دلیل شرایط اقتصادی، بازار یا مشکلات قانونی نتوانند به ارزش قابل توجهی تبدیل شوند، این امر به علت نرخ تنزیل بالا، موجب کاهش شدید سودآوری و به تبع آن کاهش حقوق صاحبان سهام خواهد شد.

### عباس محمدی:

ورود به موقع شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی جهت بازسازی و اصلاح ساختار بانک‌های ناتراز از طریق فروش اموال

و سهام مازاد در اختیار آن‌ها، با تزریق نقدینگی حاصل از فروش می‌تواند منجر به کاهش مانده‌ی اضافه برداشت بانک‌های ناتراز شود و علاوه بر کاهش رشد نقدینگی و تورم، از آسیب‌زدن به منافع عمومی از طریق خلق پول جلوگیری کند.

تأمین منابع مورد نیاز برای خرید سهام و املاک مازاد موجود در بانک‌ها حداقل تا سقف اضافه برداشت شبکه‌ی بانکی کشور از بانک مرکزی (در کوتاه مدت) با توجه به نرخ‌های موجود اوراق دولتی پیش‌بینی شده در قانون و میزان جذابیت آن برای خریداران اوراق از چالش‌های این شرکت خواهد بود.

علاوه بر این در بند ۵-۲ بخش ب ماده ۸ قانون برنامه‌ی هفتم درج شده در صورتی که مؤسسه‌ی اعتباری به هر دلیل از جمله نبود خریدار، امکان واگذاری املاک و سهام مازاد را نداشته باشد می‌تواند دارایی‌های مزبور را به شرکت مدیریت دارایی واگذار کند. همچنین در صورت درخواست، سازوکارهای قیمت‌گذاری و سقف‌های تعیین شده برای حداکثر قیمت به دلیل لحاظ نکردن ارزش‌های منصفانه و صرف بلوک (برای خرید سهام)، انگیزه‌ی بانک‌ها برای درخواست واگذاری را با توجه به الزام آور نبودن کاهش می‌دهد. در صورت فروش بر اساس مبانی مزبور نیز با توجه به منصفانه نبودن قیمت



### ❖ کوروش پرویزیان:

همان گونه که قبلاً ذکر شد مجموعه مقررات و استانداردهای حاکم بر بانکداری متعارف، مجموعه مقررات متحدالشکل که در مجامع حرفه‌ای مانند ICC، IFRS، کمیته‌ی بال و غیره وضع می‌شود در هارمونی و هماهنگی خاصی شکل گرفته است، اجبار به وضع و اجرای یک بخشی از این مقررات، بدون لحاظ وضعیت بومی و محیطی خاص کشور، شرایط ناهنجاری در اداره، مدیریت و عملکرد نهادهای مالی در ایران به وجود آورده است. در ایران هم بانک مرکزی، هم وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان بورس بعضاً این مقررات را ابلاغ و لازم‌الرعايه کرده‌اند. مثلاً موضوع حاکمیت شرکتی و تشکیل کمیته‌ی حسابرسی داخلی از جمله موارد قانونی در اداره‌ی نهادهای مالی شده است ولی عدم پای‌بندی و الزام به تمکین خود مقررگذار به این موارد، اولین نقطه‌ی ضعف و مانع جدی برای عملکرد مؤثر این چنین سازوکارهای حرفه‌ای است. چرا که دستورات بسیار زیاد دیگری ناشی از خواست و الزام و اجبار خود این نهادهای نظارتی از سوی دولت، مجلس، قوه‌ی قضاییه و دیگر نهادها دارند که موضوع حاکمیت شرکتی، نظامات کنترلی داخلی، نظامات ریسک و تطبیق و حسابرسی را بی‌اعتبار می‌سازند. علاوه بر آن، موضوع کلیدی که پاسخ پایه را برای سؤال فراهم می‌کند این است که موانع

می‌تواند علاوه بر تناقض با مقررات بازار سرمایه، منجر به تضییع حقوق سهام‌داران خرد شود. بررسی دقیق‌تر چالش‌های این شرکت نیازمند تهیه‌ی ضوابط نحوه‌ی قیمت‌گذاری و واگذاری دارایی‌ها و چگونگی تسویه حساب شرکت مزبور با بانک‌ها (بند پ ماده ۸ قانون برنامه هفتم) توسط بانک مرکزی است. در این خصوص آسیب‌شناسی علل ناموفق بودن عملکرد شرکت فروش اموال مازاد بانک‌ها (فام)، به منظور واگذاری اموال مازاد بانکی، ضروری به نظر می‌رسد.

# ۳

همه‌ی موارد برشمرد و نیز وضعیت کنونی مؤسسات اعتباری نشانه‌های گویایی از عدم حاکمیت اصول راهبری شرکتی در بانک‌ها و فقدان نظام‌های مؤثر حسابرسی داخلی در آن‌ها است. با وجود برخی مقررات و تکالیف قانونی تاکنون کدام موانع عملی باعث شده که فاقد نظام‌های مؤثر حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی در مؤسسات اعتباری باشیم؟

بسیار مهم دیگری در عدم اجرای نظامات مدرن حاکمیت شرکتی و نظامات مرتبط با ریسک، تطبیق، حسابرسی و دیگر کنترل‌های مدیریتی در اداره‌ی نهادهای مالی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. از جمله‌ی این موانع به ساختار سهام‌داری و مالکیتی نهادهای مالی در ایران، عدم استقلال و عدم ثبات مدیریتی نهادهای مالی، تکلیف‌محوری قانونی، به‌جای اصول مدیریت عقلایی اداره امور نهادهای مالی، مشکلات دانشی در مفاهیم و کارکرد نهادهای مالی و تعارض در مقررات سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری از این موارد هستند.

#### ◀ علیرضا عابدینی:

علیرغم پیش‌بینی حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و تقویت کنترل‌های داخلی در سنوات اخیر یکی از دلایل ناترازی بانک‌ها به دلیل عملکرد آن‌ها در سنوات قبل به دلیل بهداشت اعتباری نامناسب بوده است. لذا ضرورت دارد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران وظایف نظارتی خود را تقویت کند و با توجه به وظایف و اختیارات پیش‌بینی شده در قانون بانک مرکزی به نحو مناسب ضمن نظارت بر بانک‌ها در رعایت دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها با بانک‌های متخلف برخورد انضباطی لازم، به‌موقع انجام گردد. همچنین سامانه‌های بانکی تقویت گردد و کنترل‌های داخلی لازم در خصوص آن‌ها طراحی و اجرا گردد تا اثربخشی و کارایی نظارت به دلیل اقدام به‌موقع تقویت گردد.

#### ◀ فرشید فرخ‌نژاد:

حاکمیت شرکتی و حسابرسی در بانک‌ها به‌دلیل پیچیدگی‌های ساختار مالی و فعالیت‌های مختلف آن‌ها، با چالش‌های خاصی مواجه است. حل این چالش‌ها نیازمند تقویت نظام‌های حاکمیت شرکتی، بهبود شفافیت، اجرای اصول اخلاقی در مدیریت بانک‌ها و نظارت دقیق‌تر از سوی نهادهای نظارتی است. این چالش‌ها معمولاً شامل موارد زیر می‌شوند:

#### کمینه‌های نظارتی ضعیف

• در برخی بانک‌ها، کمینه‌های نظارتی (کمینه‌ی حسابرسی، کمینه‌ی مدیریت ریسک و کمینه‌ی تطبیق) که وظیفه‌ی بررسی و نظارت بر سیاست‌ها و تصمیمات استراتژیک بانک را دارند، ممکن است از نظر توانایی یا استقلال ضعیف باشند. این امر می‌تواند باعث اتخاذ تصمیمات غیراصولی یا غیرشفاف شود که منافع سهام‌داران و مشتریان را به خطر می‌اندازد.

#### تعارض منافع

• تعارض منافع در میان اعضای هیأت مدیره و مدیران اجرایی یکی دیگر از مشکلات رایج در حاکمیت شرکتی

برخی بانک‌ها است. ممکن است مدیران به‌جای تمرکز بر منافع بلندمدت بانک، تصمیماتی بگیرند که به منافع شخصی یا گروهی آن‌ها خدمت کند و این می‌تواند به زیان بانک و سهام‌داران باشد.

#### نداشتن استقلال واحدهای نظارتی و عدم هم‌افزایی

• در برخی بانک‌ها ممکن است، استقلال واحدهایی مانند واحد حسابرسی داخلی، واحد مدیریت ریسک، واحد مدیریت تطبیق به‌درستی تضمین نشود. این واحدها باید قادر به ارائه‌ی ارزیابی‌های بی‌طرفانه و مستقل از فعالیت‌های مدیریتی باشند، اما در صورت عدم استقلال، ممکن است گزارش‌ها و ارزیابی‌ها تحت فشار قرار گیرند. همچنین در ساختار کنونی بانک‌ها، واحدهای نظارتی دیگری از جمله واحد بازرسی و نظارت، واحد حراست، واحد امنیت اطلاعات و واحد مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم نیز وجود دارد. معمولاً هریک از واحدهای نظارتی مذکور به صورت مجزا عمل می‌کنند و از گزارش‌ها و نتایج ارزیابی و رسیدگی یکدیگر استفاده نمی‌کنند. لذا گاهی موازی‌کاری وجود داشته و هم‌افزایی نیز ایجاد نمی‌شود.

#### شکاف بین حسابرسی داخلی و خارجی

• در بسیاری از موارد، حسابرسان داخلی بانک‌ها ممکن است با حسابرسان خارجی هماهنگی نداشته باشند یا اطلاعات به‌طور کامل بین این دو گروه به اشتراک گذاشته نشود. این شکاف می‌تواند باعث بروز مشکلاتی در ارزیابی‌های مالی و تشخیص ریسک‌ها شود. حسابرسان مستقل و داخلی باید جهت هم‌افزایی از گزارش‌ها و نتایج ارزیابی و رسیدگی همدیگر استفاده کنند، لیکن در حال حاضر این مهم اتفاق نمی‌افتد.

#### ضعف در سیستم‌های مدیریت ریسک

• برخی بانک‌ها ممکن است سیستم‌های مدیریت ریسک مؤثری نداشته باشند که به شناسایی و مدیریت ریسک‌های مالی، عملیاتی و اعتباری کمک کند. ضعف در این زمینه می‌تواند باعث ورود بانک‌ها به فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک یا فعالیت‌هایی شود که در نهایت زیان‌های بزرگ به همراه دارند.

#### پیچیدگی در ساختار مالی و محصولات بانکی

• بانک‌ها معمولاً از محصولات و خدمات مالی پیچیده‌ای مانند وام‌ها، اعتبارات، و معاملات بین‌المللی استفاده می‌کنند. این پیچیدگی‌ها می‌توانند فرآیند حسابرسی را دشوار کند و شفافیت را کاهش دهند. حسابرسان باید دانش و تخصص بالایی برای ارزیابی این محصولات و خطرات آن‌ها داشته باشند.

#### حسابرسی ابزارهای مالی

• بانک‌ها به‌طور گسترده از ابزارهای مالی برای مدیریت

ریسک‌ها استفاده می‌کنند. حسابرسی این ابزارها به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و نوسانات بازار، نیازمند دقت و تخصص بسیار بالاست. ارزیابی دقیق این ابزارها و شفاف‌سازی درخصوص ریسک‌های مرتبط با آن‌ها می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

#### ریسک‌های سیستماتیک و تغییرات سریع اقتصادی

• تغییرات سریع در وضعیت اقتصادی یا بحران‌های مالی جهانی ممکن است باعث تغییرات ناگهانی در وضعیت مالی بانک‌ها شود. حساب‌رسان باید بتوانند این ریسک‌ها را پیش‌بینی کرده و ارزیابی صحیحی از تأثیر آن‌ها بر ترازنامه و صورت‌های مالی بانک‌ها داشته باشند.

#### عباس محمدی:

تجربیات موجود نشان می‌دهد بخش عمده‌ی نارسایی مربوط به محیط کنترلی است (میزان پای‌بندی ارکان راهبری بانک‌ها به کنترل‌ها و اصول حاکمیت‌شرکتی، التزام عملی به رعایت آن در سطوح بانک، فرهنگ‌سازی و ترویج آن در خطوط کنترل داخلی و تبیین صحیح نقش‌ها و مسئولیت‌ها). مدل‌ها و چارچوب‌های معتبری به‌منظور ارزیابی اثربخشی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی در سطح دنیا وجود دارد که می‌تواند جامعیت و یکپارچگی کنترل‌های داخلی و نظام مدیریت ریسک و همسویی آن با استراتژی و عملکرد بانک در راستای دستیابی به اهداف عملیاتی، رعایتی و گزارشگری مالی تعیین‌شده را مورد سنجش قرار دهد (مانند مدل سه‌خط و چارچوب یکپارچه‌ی کوزو و کویت). ظرفیت مناسبی جهت ارائه‌ی خدمات ارزیابی مستقل در خصوص میزان اثربخشی کمیته‌های راهبری هیأت مدیره، واحد حسابرسی داخلی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی، از سوی حسابداران رسمی به شبکه‌ی بانکی وجود دارد.

#### کوروش پرویزیان:

در کشور ما، علی‌رغم تلاش و کوشش مجذانه‌ی حساب‌رسان و بازرسان قانونی و تلاش‌های قابل‌تقدیر جامعه‌ی حسابداران رسمی، انجمن‌های حسابرسی و حسابداری و سازمان حسابرسی و نهادهای مرتبط نظارتی، ولی کماکان موضوعات مهم ثبت، اندازه‌گیری و گزارشگری‌های مالی منصفانه از نهادهای مالی سبب سوءتفاهمات و بعضاً بروز اختلافاتی شده است تلاش بیشتر برای ارائه‌ی تصویر دقیق و منصفانه از نهادهای مالی با لحاظ استانداردهای متعارف بانکی، مقررات بانکداری بدون ربا، عقود اسلامی و چهارچوب‌های خاص ثبت، ضبط، رسیدگی و گزارشگری مالی و بررسی شواهد و مدارک مرتبط با آن‌ها و نیز ملحوظ نمودن شرایط محیط اقتصاد کلان ایران (اقتصادی با شرایط تورمی مستمر) نیاز مهم امروز کشور است. علی‌احمال همان‌گونه که به‌خوبی در سؤال طرح شده است، روایت‌گری و گزارشگری منصفانه‌ی شاخص‌های کلیدی نهادهای مالی ایران راهی جز گذر از روش‌های سنتی و حسابرسی مبتنی بر مدارک کاغذی و دستی به روش‌های مدرن تکنولوژی‌محور و حسابرسی مبتنی بر ابزارهای فناوری روز نظیر فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی (AI) و تحلیل‌های مبتنی بر کلان‌داده‌ها (big Data) است. چنین ابزارهایی می‌تواند ضمن توسعه و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای حسابرسی، قابلیت‌های فراوانی برای حساب‌رسان به‌وجود آورد. قابلیت تشخیص و شناسایی خودکار خطاها، قابلیت تشخیص ریسک تقلب و تحریف در گزارشگری مالی، قابلیت ایجاد چرخه‌ی بازخورد مناسب و حتی قابلیت بومی‌سازی اندازه‌گیری، روایت‌گری و گزارشگری مالی را ارائه دهد و به حساب‌رس کمک نماید که استانداردهای متنوع و گسترده‌ی حسابداری و حسابرسی را هم‌زمان و بدون فراموشی به‌کار گیرد و کلیه‌ی فعالیت‌های روتین را با کم‌ترین زمان و هزینه به‌سامان رساند.

#### علیرضا عابدینی:

در بانک‌ها می‌بایست به حسابرسی سیستم‌های کامپیوتری و ارزیابی ریسک آن‌ها توجه ویژه شود و با تأکید بر تکالیف متعدد در خصوص core banking با تحقق این مهم و استفاده از ابزارهای نوین و کنترل‌های سیستمی به سمت تقویت کنترل‌های داخلی و ارتقای شفافیت حرکت کرد. در مرحله‌ی بعد و پس از استقرار سامانه‌های مذکور می‌توان نسبت به به‌کارگیری ابزارهای نوین حسابرسی همچون حسابرسی فناوری اطلاعات اقدام کرد.

#### فرشید فرخ‌نژاد:

انتقال از مدل سنتی به مدل نوین برپایه‌ی هوش مصنوعی یک انتخاب نیست بلکه یک الزام برای ادامه‌ی فعالیت است.

۴

به طور خاص با توجه به انجام حسابرسی به صورت سنتی و محدودیت‌های حسابرسان در دسترسی به سامانه‌های مرتبط و حجم بالای تراکنش‌های بانک‌ها راهکار پیشنهادی شما برای گذر از حسابرسی سنتی و استفاده از ابزارهایی مثل هوش مصنوعی چیست؟



کمک کند. این امر نه تنها به بهبود فرآیند حسابرسی کمک می‌کند، بلکه به بانک‌ها در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک یاری می‌رساند.

#### پیشگیری از ریسک‌های قانونی و مقرراتی

- هوش مصنوعی می‌تواند به شناسایی و پیگیری قوانین و مقررات مالی که ممکن است به‌طور مداوم تغییر کنند، کمک کند. الگوریتم‌ها می‌توانند نظارت کنند که آیا بانک به‌طور کامل از قوانین و مقررات پیروی می‌کند یا خیر، و در صورت عدم تطابق هشدارهایی را به حساب‌برسان ارسال کنند.

#### افزایش کارایی و کاهش خطاهای انسانی

- فرآیندهای حسابرسی به‌طور طبیعی شامل تجزیه و تحلیل حجم بالای داده‌ها و مستندات هستند که احتمال خطاهای انسانی را افزایش می‌دهد. استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند خطاهای ناشی از خستگی یا سهل‌انگاری را کاهش دهد.

◀ **عباس محمدی:**

در خصوص قابلیت‌ها و راه‌حل‌های فناوری برای افزایش کارایی و اثربخشی کار حساب‌برسان مستقل تردیدی

حسابرسی نوین با استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند به مشکلات مرتبط با حسابرسی سنتی پایان دهد. این روش شامل استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و تحلیل داده‌های بزرگ است که می‌توانند به کارایی، دقت و سرعت فرآیندهای حسابرسی کمک کنند. برخی از مهم‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی در حسابرسی بانک‌ها به شرح ذیل است:

#### ارزیابی ریسک‌ها

- هوش مصنوعی AI می‌تواند به تحلیل ریسک‌های مختلف از جمله ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی کمک کند. به‌ویژه در بانک‌ها که مدیریت ریسک برای جلوگیری از بحران‌های مالی اهمیت دارد، الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌تواند پیش‌بینی کند که کدام وام‌ها، ابزارها یا سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر در معرض ریسک قرار دارند.

#### تحلیل پیش‌بینی‌کننده

- استفاده از مدل‌های پیش‌بینی در هوش مصنوعی به حساب‌برسان این امکان را می‌دهد که رفتار مالی آینده بانک را پیش‌بینی کنند. این تحلیل‌ها می‌تواند به شناسایی روندهای مالی، پیش‌بینی زیان‌ها و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها



## V

در حال حاضر بانک مرکزی از حسابرسان معتمد بانک مرکزی برخوردار است و حسابرس بانکها و مؤسسات اعتباری توسط بانک مرکزی بایستی تأیید شود. همچنین در نهایی کردن گزارشهای حسابرسی نیز بانک مرکزی نظارت می‌کند. مشکلات این شیوهی تعیین حسابرس و گزارشگری چیست و تأثیر آن بر استقلال حسابرسان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

### ✶ کوروش پرویزیان:

هر چند با وجود نهادهای حرفه‌ای حسابرسی در ایران روش کنونی انتخاب و به‌کارگیری حسابرسان می‌تواند بهتر شده و ارتقا یابد، ولی به‌طور کلی، مقررات گذاری بیش از حد overregulation به لحاظ نظارت، قانون‌گذاری، اقتضانات اجرایی و عملیاتی، پسندیده نیست. این‌که بانک مرکزی

وجود ندارد. برطرف کردن محدودیت‌های دسترسی به پایگاه داده‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی بانک، نیازمند تقویت ارتباطات و تعامل مؤثر بین مثلث نظارتی (بانک مرکزی، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی) بر اساس رهنمودهای مدل چهار خط دفاعی (منتشرشده توسط مؤسسه‌ی ثبات مالی) است.

استفاده از ابزارهایی همچون هوش مصنوعی، پایتون، اوراکل و SQL برای انجام آزمون‌های حسابرسی نیازمند جذب متخصصین فناوری اطلاعات، آموزش‌های بین‌رشته‌ای گروه‌های حسابرسی، نظام جبران خدمت مناسب (با توجه به نرخ ماندگاری پایین نیروی انسانی در حرفه) و سرمایه‌گذاری کافی جهت انعقاد قراردادهای مشاوره و اجرا است. در حال حاضر عزم جدی در این بخش وجود نداشته، برنامه‌های مرکز آموزش جامعه همسو و پاسخ‌گوی نیازهای روز حرفه و مؤسسات نبوده و به‌رغم تحول قابل توجه و سریع در فرآیندهای کسب‌وکار دیجیتال در سطح بانکها، حرفه‌ی حسابرسی سرمایه‌گذاری و برنامه منسجم و مؤثری نداشته است.

معیارهایی را برای انتخاب حسابرسان معتمد خود وضع کند و یا این که جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی معیارها را برای انتخاب چنین حسابرسانی وضع و به بانک مرکزی پیشنهاد نمایند در تعامل و همکاری این نهادهای حرفه‌ای می‌تواند شکل گیرد، منوط بر این که به استقلال عمل حرفه‌ای حسابرسان خدشه وارد نشود. تجربه نشان داده که حسابرسان نهادهای مالی، باید الزامات و اقتضائات صنعت بانکی را بشناسند و دانش کافی در خصوص فعالیت‌ها، عملیات و خدمات بانکی، سپرده‌پذیر، تسهیلات‌دهی و عقود اسلامی، مقررات بانکداری بدون ربا و مقررات بانکداری بین‌الملل و غیره در مجموعه‌ی خود داشته باشند. برخی مؤسسات حسابرسی باید در کنار دانش گزارشگری پولی و موضوعات پول‌شویی، ریسک و تطبیق، چنین توانایی‌ها و مهارت‌های فنی و انسانی را داشته باشند. لذا لازمه‌ی این کار، همکاری نهاد حرفه‌ای و مسئول یعنی بانک مرکزی با نهادهای حرفه‌ای حسابرسی نظیر جامعه‌ی حسابداران رسمی و انجمن‌های حرفه‌ای حسابرسی و حسابداری برای کاهش تقابل حرفه‌ای و تضادهای احتمالی و افزایش کیفیت و شفافیت در گزارشگری مالی است.

#### ◀ علیرضا عابدینی:

با توجه به اساسنامه‌ی سازمان حسابرسی و قانون حسابداران رسمی به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت موضوعات مرتبط با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و در نظر گرفتن رتبه‌ی مؤسسات حسابرسی جامعه‌ی حسابداران ضرورت دارد آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی تعیین حسابرس برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به‌عنوان حسابرسان معتمد بانک مرکزی تدوین گردد. در پایان پیشنهادهایی برای اصلاح ناترازی بانک‌ها ارائه می‌کنم:

- ۱- تعیین تسهیلات تکلیفی متناسب با منابع بانک‌های دولتی
- ۲- فروش اموال مازاد بانک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های غیربانکی و مولدسازی آن‌ها
- ۳- تعیین نرخ بهره‌ی متناسب با نرخ تورم به‌منظور جلوگیری از تقاضای کاذب تسهیلات ارزان‌قیمت
- ۴- بهبود نسبت کفایت سرمایه‌ی بانک‌ها
- ۵- بهبود وضعیت بهداشت اعتباری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات و تقویت بخش‌های حقوقی بانک در وصول مطالبات غیرجاری خود.
- ۶- گسترش بانکداری دیجیتال و کسب درآمدهای کارمزدمحور

همچنین، تقویت نظارت بانک مرکزی و برخورد انضباطی با مدیران بانک‌ها جهت ترک فعل آن‌ها، به‌جای پیش‌بینی جرایم مالیاتی برای بانک‌ها.

#### ◀ فرشید فرخ‌نژاد:

در کشور ما مطابق با قانون تجارت، حسابرس و بازرس

قانونی در مجمع عمومی سالیانه از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی انتخاب می‌شود. با عنایت به این که سازمان حسابرسی بزرگ‌ترین و معتبرترین مؤسسه‌ی حسابرسی است، لذا الزام بانک‌ها توسط بانک مرکزی به انتخاب سازمان مذکور به‌عنوان حسابرس اصلی بانک‌ها تأثیر مضاعفی بر استقلال حسابرسان و بازرسان قانونی بانک‌ها دارد. با توجه به این که یک‌سری از قوانین و مقررات بانک مرکزی ج.ا.ا. با استانداردهای حسابداری متفاوت یا مغایر آن می‌باشد و بانک‌ها ملزم به رعایت مقررات مصوب بانک مرکزی ج.ا.ا. می‌باشند که این موارد به‌عنوان بند گزارش ازسوی حسابرسان مستقل در صورت‌های مالی درج می‌گردد که نشان‌دهنده‌ی استقلال کامل حسابرسان بانک است. همچنین انتخاب سازمان حسابرسی به‌عنوان حسابرس قانونی بانک‌ها موجب خواهد شد که رویه‌ی یکسان و همسان گزارشگری مالی در بانک‌ها به‌وجود آید.

#### استقلال حرفه‌ای حسابرس

- حسابرس بانک‌ها باید قادر باشد بی‌طرفانه و بدون هیچ‌گونه تأثیر از نهادهای دولتی یا نظارتی مانند بانک مرکزی، گزارش‌های مالی را ارزیابی و گزارش کند. همچنین اگر حسابرس مستقل از استقلال کافی برخوردار باشد، باعث افزایش اعتماد عمومی به نتایج گزارش‌های مالی بانک‌ها می‌شود.

#### تأثیر بر شفافیت گزارش‌های حسابرسی

- حسابرسان مستقل مسئولیت دارند که به سهام‌داران، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان اطلاعات شفاف و دقیق ارائه دهند. که گزارش‌های مالی به‌طور دقیق و صحیح منعکس‌کننده‌ی وضعیت واقعی بانک‌ها خواهد بود. اگر حسابرس وابسته به بانک یا نهاد خاصی باشد، ممکن است نتایج گزارش‌های مالی تحت تأثیر این وابستگی قرار گیرد و شفافیت گزارش‌ها کاهش یابد.

#### ◀ عباس محمدی:

طبق قانون بانک مرکزی، نظارت بر بازار پول از اختیارات قانونی بانک مرکزی است. در صورت وجود معیارهای استاندارد و شفاف جهت ارزیابی کیفیت کار حسابرسان، این فرآیند نه تنها تأثیری بر استقلال حسابرسان بانک‌ها ندارد بلکه موجب تقویت نقش و جایگاه آن‌ها خواهد شد. در حال حاضر مهم‌ترین مشکل، کافی و مناسب نبودن کانال ارتباطی بین حسابرسان مستقل با بانک مرکزی (به‌ویژه بخش نظارت)، تناقض یا ناهماهنگی بین برخی بخشنامه‌های نظارتی با استانداردهای حسابداری، ابلاغ بخشنامه بدون تعیین رویه‌های حسابداری، منوط کردن مجوزهای مجمع سالانه‌ی بانک‌ها به ارسال موارد عدم رعایت الزامات ۲۶گانه‌ی نظارتی هم‌زمان با صدور گزارش حسابرسی و مشارکت ندادن گروه‌های ذی‌نفع و صاحب‌نظر و تجربه در تدوین بخشنامه‌های نظارتی و به‌هنگام نبودن بازنگری الزامات نظارتی متناسب با اسناد مرجع بین‌المللی است.